

حضرت امام سپس درباره عامین من وجه هم می نویسند که مرحوم نائینی برای جریان بحث در عامین من وجه شروطی را فرض کرده اند:

«و قد یقال: إنَّ جریان النزاع فی العامین من وجه یتوقّف علی أمور:

منها: أن تكون النسبة بین نفس الفعلین الصادرین من المكلف بإرادة و اختیار، كما فی الصلاة و الغضب، و أمّا إذا كانت بین الموضوعین - كما فی العالم و الفاسق - فهو خارج عن محلّ النزاع، لأنّ التركيب بينهما اتّحادی لا انضمامی، و لازمه تعلق الأمر بعین ما تعلق به النهی، فلا بدّ فیهما من إجراء قواعد التعارض.

و ممّا ذکرنا علم عدم جریانہ فیما إذا كان للفعل عنوانان تولیدیّان تكون النسبة بینهما العموم من وجه، كما لو أمر بإکرام زید، و نهی عن إکرام عمرو، فقام المكلف لأجل إکرامهما تعظیماً، فإنّ القيام یتولّد منه التعظیمان، و هما و إن كانا بحیثیّین انضمامیّین، لكن الأمر بهما أمر بالسبب، فینجرّ إلى تعلقه بشیء واحد وجوداً و إيجاداً.

و منها: أن يكون بین الفعلین ترکیب انضمامی لا اتّحادی، فیخرج مثل «اشرب» و «لا تغضب» إذا كان الماء مغصوباً، فإنّ نفس الشرب هو الغضب، فالترکیب اتّحادی لا یجرى فیہ النزاع. انتهى.»^۱

توضیح:

۱. اولین شرط: عامین من وجه، باید دو فعل باشند که از مکلف صادر می شوند و صدور آن ها با اختیار همراه است. (مثل غضب و صلوة)
۲. ولی اگر عامین من وجه، به سبب یک فعل در دو موضوع باشد (مثل عالم و فاسق) در این صورت، بحث اجتماع وارد نمی شود [یعنی قطعاً در این مورد امتناعی می شویم]
۳. [ما می گوئیم: توجه شود که مراد مرحوم نائینی، عبارت است از مثال اکرم العالم و لاتکرم الفاسق (و نه شخص عالم و فاسق. چرا که عالم و فاسق متعلق حکم نیستند، بلکه متعلق حکم باید فعل مکلف یعنی اکرام باشد).

حال: «اکرام عالم» دقیقاً همان عملی است که اکرام فاسق هم هست]

^۱. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۱۲۷



۴. چرا که در این مورد، ترکیب عالم و فاسق، ترکیب اتحادی است و متعلق امر، عیناً همان متعلق نهی است و چنین فرضی از مصادیق بحث تعارض است.

۵. و همچنین در جایی که از یک فعل، دو عنوان انتزاع می شود. (مثل اینکه با بلند شدن، هم عمرو اکرام می شود و هم زید)، بحث از مصادیق اجتماع امر و نهی نیست [چراکه در مثال «اکرم زیداً»، چون بلند شدن، از افعال تولیدی است، امر به مسبب (اکرام)، امر به سبب (بلند شدن) خواهد بود و لذا بلند شدن هم متعلق امر است و هم متعلق نهی]

[ما می گوئیم: ظاهراً باید «لاجل اکرامه تعظیماً»، صحیح باشد و نه «اکرامهما». البته این اشکال بر عبارت مرحوم نائینی وارد است^۱]

۶. شرط دوم: باید دو فعل (که بین آن ها عموم من وجه برقرار است) دارای ترکیب انضمامی باشند (و نه اتحادی) و لذا وقتی آبی غصبی است، شرب آب عین غصب است و دو عنوان نیستند تا یکی مأمور به و دیگری منهی عنه باشند.

حضرت امام سپس به این دو شرط پاسخ می دهند:

«و فيه: أن قضيّة التركيب الانضماميّ و الاتّحاديّ اجنبية عن مسألة اجتماع الأمر و النهي، و لا يبتنى الجواز على التركيب الانضماميّ، فإنّ التركيب الخارجيّ - اتّحادياً أو انضمامياً - غير مربوط بمقام متعلّقات الأوامر و النواهي التي هي العناوين على ما سيأتي بيانه، فيجری النزاع في مثل: «أكرم العالم» و «لا تكرم الفاسق»، و كذا في مثل: «اشرب» و «لا تغصب» مع كون الماء غصبا.

و كذا في الأفعال التوليدية و إن قلنا بتعلّق الأمر بالأسباب، فإنّ قوله:

«أكرم زيدا» و «لا تكرم عمرا»، كقوله: «قم لزيدا» و «لا تقم لعمرو» عنوانان مختلفان يجوز تعلّق الأمر بأحدهما و النهي بالآخر، سواء في ذلك السبب و المسبب [التوليديان] مع أنّ المبني - أي رجوع الأمر إلى السبب التوليدى - محلّ منع.^۲»

توضیح:

۱. بحث ترکیب اتحادی و انضمامی ربطی به بحث اجتماع امر و نهی ندارد و بحث جواز اجتماع، مبتنی بر ترکیب انضمامی نیست.

۱. ن ک: فوائد الاصول، ج ۲، ص ۴۱۱

۲. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۱۲۷



۲. چرا که تحقق خارجی (چه اتحادی و چه انضمامی) ربطی به «متعلق امر و نهی» که عنوان ها هستند ندارد.

۳. و لذا در همه مثال های مورد نظر مرحوم نائینی هم بحث جاری است.

۴. همچنین اگر هم بپذیریم که در افعال تولیدی، امر و نهی در حقیقت امر و نهی به سبب است، باز هم بحث مربوط به عنوان ها می باشد (برای عمرو بلند شو / برای زید بلند شو)

ما می گوئیم:

۱. ماحصل فرمایش مرحوم نائینی آن است که در صورت های متفاوت (که به آن اشاره خواهیم کرد)، جریان بحث اجتماع امر و نهی متفاوت است:

الف) امر به یک فعل است (صلوة) و نهی به یک فعل (غصب) و با یک عمل هر دو فعل صادر می شود و ترکیب انضمامی است.

ب) امر به یک فعل متعلق به یک موضوع (اکرام عالم) و نهی به همان یک فعل را با هر دو متعلق ایجاد می کند.

ج) امر به یک فعل است و نهی به فعل دیگر ولی ترکیب آن ها اتحادی است.

مرحوم نائینی معتقد است بحث تنها در فرض «الف» جاری است.

۲. اما به نظر می رسد مثال های ایشان، تنها به دو قسم برمی گردد:

الف) از یک موجود خارجی (که ما به ازاء دارد یعنی یک معقول اولی است) دو عنوان انتزاع می شود که یکی مأمور به است و دیگری منهی عنه (مثال اکرام زید و اکرام عمرو که از بلند شدن انتزاع می شود)

مثال شرب و غصب که یکی (شرب) معقول اولی است و دقیقاً همان عمل با عنوان انتزاعی (غصب، مورد نهی است، هم همانند همین است.

ب) دو موجود خارجی (دو معقول اولی) در میان است که یکی مأمور به است و دیگری منهی عنه (مثال غصب و صلوة که یکی از مقوله فعل است و دیگری از مقوله این یا وضع)

۳. مطابق مبنای حضرت امام - خطابات قانونیه - بحث در هر دو حوزه برقرار است و تفاوتی میان آن ها نیست ولی ممکن است مطابق سایر مبانی بین این دو دسته، فرق بگذاریم. چرا که در دسته اول، آنچه مورد امر است دقیقاً مورد نهی است با وحدت وجودی و ماهوی. ولی در دسته دوم آنچه مفروض است تعدد ماهیت و وجود مأمور به و منهی عنه است.



۴. البته با توجه به اینکه گفتیم بین احکام تضاد نیست و موضوع احکام هم نفس مجرد است، حتی با فرض «وحدت» هم اجتماع، ممتنع نیست.

